

تعمیر

منابع و تمکیناتهای برنامه
توسعه اقتصادی ایران (۱)

- I
- از مهمترین عوامل ضروری برای توفیق در برنامه‌های جامع توسعه اقتصادی موارد زیر را میتوان نام برد :
- الف - منابع طبیعی (انرژی بصورت مختلف - آب شیرین - خاک - منابع معدنی جنگل - شرائط اقلیمی) .
 - ب - نیروی انسانی بلحاظ کمی و کیفی (تعداد آماده در بازار کار - دانش - فنون - مهارت‌ها - شوق برفع عقب ماندگی و توسعه) .
 - ج - ثبات (سیاسی - اجتماعی - اقتصادی)
 - د - موقعیت جغرافیائی (اقتصادی - سیاسی - نظامی) .

الف - منابع طبیعی

آنچه در این جامورد بحث قرار میگیرد منابع طبیعی است که از لحاظ کمی و کیفی بشرح زیر خلاصه میشوند :

منبع انرژی

کشور ما خوشبختانه با در دست داشتن عظیم ترین میدانهای نفت و گاز طبیعی (ذخیره مسلم نفت ۶۰۰۰ میلیون تن و ذخیره گاز ۱۰۵ تریلیون فوت مکعب) از لحاظ انرژی فنی ترین کشورهای دنیا میباشد مضافاً باینکه انرژی آبی مملکت بالقوه در حدود ۳۰ بیلیون کیلووات ساعت هم ارز ۱۰ میلیون تن نفت خام در سال محاسبه شده است و امکانات استفاده از انرژی خورشید به مناسبت عرض جغرافیائی منطقه و آسمان صاف در قسمت اعظم مملکت بسیار جالب بوده و از لحاظ ذغال سنگ ذخیره کشف شده مسلم در حدود ۱۰۰ میلیون تن است که گرچه قابل توجه نیست ولی عملیات اکتشافی اخیر در مورد ذغال مورد نیاز صنعت ذوب آهن بسیار امیدبخش بوده است و بلحاظ سوخت هسته‌ای شناسائی های اولیه امیدوار کننده است .

۱- بخشی است از گزارش جامع و مستند آقای مهندس روحانی وزیر آب و برق تحت عنوان «سیاست توسعه کشاورزی در قطبهای منابع آب و خاک»

با این توضیح نه تنها از لحاظ انرژی مورد نیاز برنامه‌های توسعه اقتصادی صدسال آینده مملکت نگرانی وجود ندارد بلکه منابع قابل صدور انرژی ایران بزرگترین پشتوانه درآمد ارزی ضروری برای برنامه‌های توسعه اقتصادی بوده و از نظر انرژی تکنگنای در فضای اقتصادی ایران ملاحظه نمیشود.

آب شیرین

ترازنامه تقریبی آب شیرین که از طریق ریزش باران و برف بر سطح مملکت مابین ۱ میلیارد با توجه بضرایب تبخیر و نفوذ و جریان با تقریب زیاد (بعلت فقد آمار متعدد و درازمدت) بشرح زیر می‌باشد:

- ۱ - مجموع آب حاصل از ریزش برف و باران و تگرگ ۵۰۰ میلیارد متر مکعب در سال
 - ب - آب ازدست رفته در اثر تبخیر بر اساس ۰/۶۰ کل ۳۰۰
 - ج - نفوذ آب به زیر زمین بر اساس ۰/۱۵ کل ۷۵
 - د - جریان آب سطحی بصورت رودخانه‌ها و سیل‌ها بر اساس ۰/۲۵ کل ۱۲۵
- میلیارد متر مکعب در سال که اگر با تکنیک رایج تا ۳۰ سال دیگر بتوانیم حداکثر ۰/۸۵ جریان‌های زیرزمینی و سطحی را در مناطق مساعد برای کشاورزی و صنعت و مصارف شهری مهار کنیم جمعاً ۱۷۰ میلیارد متر مکعب آب در هر سال در اختیار کشاورزی و صنعت و مصارف شهری قرار می‌گیرد.

بفرض اینکه در ظرف ۳۰ سال آینده تکنیک بکار بردن مجدد فاضلاب در اثر تصفیه و شیرین کردن آب شور دریا بحدی پیشرفت نماید که بهای تمام شده ۱ متر مکعب آب شیرین در مرکز تولید به ۲/۵ ریال و در محل مصرف با شبکه و توزیع به ۵ ریال تقلیل یابد (نرخ امروزی مراکز تولید برای مقادیر کم در حدود مترمکعبی ۲۵-۲۰ ریال و برای مقادیر خیلی زیاد توأم با تولید نیروی برق در حدود مترمکعبی ۶ ریال است) میتوان مصارف شهری و صنعتی را کلاً از این طریق بدست آورد و یا در بعضی موارد فاضلاب مصرف شده در شهرها را تصفیه نموده و آب بازیافتی را به قیمت معتدل در حدود ۰/۵ تا ۰/۷۵ ریال هر مترمکعب بمصرف کشاورزی رسانیده باز هم حداعلاّی آب در دسترس کشاورزی از ۱۷۰ میلیارد مترمکعب در سال تجاوز نخواهد کرد.

با در نظر گرفتن این که با این مقدار حتی با بهترین روش‌های آبیاری و برای انواع محصولات زراعتی از نیشکر و برنج و کتف (که مصرف آب زیادی دارند) تا گندم و جو و پنبه (که مصرف کمی دارند) حداکثر ۱۷ تا ۱۸ میلیون هکتار زیر کشت سالیانه می‌رود و این رقم سرحد توسعه کشاورزی ایران با تکنیک‌های قابل پیش‌بینی تا آخر قرن بیستم می‌باشد. بنابراین مسلم است که یکی از عوامل ایجاد تکنگنا در برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران آب شیرین خواهد بود.

خاک و اراضی

کشور ایران با وسعت تقریبی ۱۶۳/۶ میلیون هکتار شامل دورشته کوههای عظیم البرز و زاگرس ورشته کوههای مرکزی و کویرهای لوت و نمک مرکزی و بالاخره مقداری اراضی سطح و قابل کشت میباشد که ترکیب و تقسیم بندی کلی آن بشرح زیر خلاصه میشود :

الف - شهرها و راه آهن ها و مراکز صنعتی و غیره	۲	میلیون هکتار
ب - جنگلها و مراتع جنگلی	۱۸۱/-	د
ج - مراتع خارج جنگلها و خارج کشت زارها	۱۰۰/-	د
د - اراضی زیر کشت با آبیاری (شامل باغات)	۲/۶۰	د
ه - اراضی زیر کشت بدون آبیاری (دیم)	۳/۹۰	د
و - آیش	۱۱/۵۰	د
ز - مراتع در محدوده اراضی زیر کشت	۰/۱۶	د
ح - اراضی جنگلی و تینزار در محدوده اراضی زیر کشت	۱/۱۰	د
ط - محوطه های مسکونی دهات و جاده ها و اناهار	۱/۲۴	د

جمع آبادی های فعلی

۵۰/۵

ی - زمینهای قابل کشت (بالتوجه)

۳۱/۵

ک - کوهها و کویرهای غیر قابل زراعت

۸۱/۶

جمع بیابانها و کوهها

۱۱۳/۱

جمع کل

۱۶۳/۶

بطوریکه ملاحظه میشود اگر قلم های کوهها و کویرهای غیر قابل کشاورزی بمساحت ۸۱/۶ میلیون هکتار و جنگلها و مراتع جنگلی و مراتع ذوعارضه و شهرها بمساحت ۳۰ میلیون هکتار را از مجموع مساحت ایران کسر کنیم سطح قابل کشت ایران (بالفعل و بالتوجه) جمعاً ۵۲ میلیون هکتار است که عملاً در زمان حاضر از ۶/۵ میلیون هکتار آن بهره برداری ناقص میشود و فقط ۲/۶ میلیون هکتار آن زراعت دائمی یا سالیانه آبی است .

بنابراین از لحاظ برنامه های توسعه اقتصادی ایران در بخش کشاورزی بیش از آنچه آب شیرین وجود دارد زمین قابل کشت در اختیار است و از این نظر تنگنایی بچشم نمیخورد .

منابع معدنی

غیر از معادن نفت و ذغال و گاز که در بخش انرژی راجع بدان بحث شد در مورد

سایر مواد معدنی بحقیقت شناسایی و اکتشافات لازم بعمل نیامده است چه میزان سرمایه گزاری بخش خصوصی در امر شناسایی و اکتشاف معادن بحق قابل ملاحظه نبوده و در برنامه‌های دوم و سوم هم جز در امر اکتشاف سنگ آهن و ذغال که بر اساس صنعت ذوب آهن بوده است در شناسایی سایر مواد معدنی ایران سرمایه گزاری نشده است بهمین مناسبت سهم معادن در تولید ناخالص ملی سال ۱۳۴۴ از ۱ میلیارد ریال که کمتر از ۲/۵ درصد Gnp است تجاوز نکرده و این رقم هم بیشتر مربوط به مواد اولیه مصالح ساختمانی مورد مصرف برنامه‌های عمرانی و مقداری صادرات کلوخه‌های کانی از جمله کرمیت است در حالیکه نویسنده عقیده دارد در برنامه چهارم باید در تهیه نقشه زمین شناسی و شناسایی و اکتشاف معادن ایران سرمایه گزاری قابلی بشود معذالك قرائن موجود مؤید اینست که ایران از لحاظ منابع معدنی منطقه جالبی است زیرا در هر مورد که لازمه اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی وجود منابع معدنی بوده است با مختصر سعی و کوشش جواب مثبت بدست آمده است نظیر ذخیره‌های شناسایی و کشف شده ذغال و آهن مورد نیاز ذوب آهن یا انواع مصالح ساختمانی مورد مصرف برنامه‌های عمرانی. بنا بر این باقید اینکه بدون شناسایی و اکتشاف کافی در سطح مملکت هر نوع پیشگویی را باید احتیاط آمیز تلقی کرد ولی میتوان خوش بین بود که در مورد بسیاری از اقلام منابع معدنی ایران مواجه با تنگنای غیر قابل حلی نخواهد شد.

جنگل‌ها

در پنجاه سال اخیر که راه‌های بازرگانی نقاط مختلف کشور را بهم متصل نموده است فقط نظارت کامل دولت در بهره برداری جنگل‌ها و در دسترس نبودن سوخت فسیل در شهرها و روستاها و احتیاجات روز افزون صنایع ساختمانی به چوب موجب از بین رفتن مساحت بزرگی از جنگل‌ها و تبدیل آن به جنگل مخروبه یا اراضی زراعتی شده است.

هم‌اکنون ۱۸ میلیون هکتار مساحت جنگل‌های ایران است که قسمت اعظم آن تنگ و از لحاظ نوع چوب غیر قابل بهره برداری صنعتی است معذالك مراقبت چند ساله اخیر از جنگل‌ها و قرق کردن قسمت‌هایی از آن و بالاخره ملی شدن این منبع تأثیر فوق‌العاده در حفظ و نگهداری آن داشته است و تولید جنگل‌ها در سال ۴۳ طبق آمار رسمی ۴۵۴۷۰۰ تن سرشاخه برای تولید ۱۰۱۰۴۳ تن ذغال و در حدود ۲۵ هزار متر مکعب چوب برای مصارف صنعتی بوده است.

با توجه به حجم بارندگی در ارتفاعات که عموماً از ۴۰۰ میلیمتر در سال بیشتر است در ۳۰-۴۰ میلیون هکتار مناطق کوهستانی مرتفع مملکت استعداد بوجود آمدن جنگل وجود دارد و اگر با برنامه ۳۰-۴۰ ساله این کار آغاز شود مسلماً پوشش خاکی مملکت تثبیت شده و از فرسایش آن که بزرگترین عامل کندی پیشرفت کشاورزی است جلوگیری خواهد شد.

باشرخ فوق از لحاظ جنگل گرچه انتظار بهره برداری و تولید قابل توجهی نمیتوان داشت ولی بلحاظ جلوگیری از فرسایش امکانات قابل توجهی وجود دارد و تقویت پوشش گیاهی موجود و توسعه آن اثر سرمایه‌گذاری‌ها در سدها - شبکه‌های آبیاری - مزارع جاده‌ها پلها و غیره را بر مراتب تقویت خواهد کرد و از این لحاظ تنگنایی وجود ندارد.

شرایط اقلیمی

کشورما از نظر شرایط اقلیمی و تنوع آن بسیار جالب است سواحل بحر خزر مرطوب و با آفتاب ملایم و بارندگی در تمام مدت سال شباهت تامی به کشورهای جنوب اروپا دارد در حالیکه آذربایجان و کردستان با هوای خشک و سرد و بارندگی کافی در ارتفاعات محدود به ایام زمستان و بهار برای تربیت دام و تولید گوشت و شیر و همچنین تولید انواع میوه استعداد فوق‌العاده دارد مناطق جنوب کشور نظیر خوزستان سواحل خلیج فارس و عمان با آب و هوای مناطق حاره و آفتاب شدید و بالا بودن میزان انرژی خورشید در واحد سطح برای انواع نباتات انرژی‌خوار نظیر نیشکر و برنج و کنف و دانه‌های روغنی و یا تولید میوه‌هایی مثل خرما - مرکبات موز شرایط مناسبی را بوجود آورده است.

یکی از نکات جالب کشورما وجود رشته کوه‌های البرز و زاگروس است بطوریکه در مجاورت دشتهای گرم و خشک خوزستان با یک فاصله کوتاه ۱۰۰ تا ۵۰ کیلومتر در کوهپایه‌های البرز و زاگرس و کوه‌های مرکزی نقاط بسیار خوش آب و هوا برای زندگی وجود دارد بطور مثال در مجاورت دز فول‌گرم و در خرم‌آباد خنک و بیلاقی و در جیرفت که درجه حرارت تابستان به ۵۱ درجه بالای صفر (در سایه) میرسد با طی مسافتی در حدود ۲۰-۳۰ کیلومتر به بیلاقات کوه‌های بارز میرسیم که از لحاظ خنکی و شرایط مناسب زندگی بسیار جالب میباشد.

باشرخ فوق شرایط اقلیمی ایران از نظر تسهیل اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی دارای تنوع فوق‌العاده و استثنائی بوده و تولید هر نوع مواد کشاورزی را امکان پذیر میسازد و از این لحاظ کوچکترین تنگنا و مشکلی وجود ندارد.

نیروی انسانی

طبق آخرین سرشماری مهر ماه ۱۳۴۵ جمعیت ایران ۲۵۷۸۱۰۹۰ نفر تعیین شده است و بایک حساب احتمالات این جمعیت در آغاز برنامه چهارم (سال ۱۳۴۶) ۲۶۸۵ میلیون و در آخر برنامه چهارم (۱۳۵۱) ۳۰ میلیون نفر خواهد بود.

توزیع جمعیت فوق در آغاز برنامه چهارم بترتیب ۴۰ درصد در شهرها و ۶۰ درصد در روستاها پیش‌بینی شده و تدریجاً در آخر برنامه جمعیت شهرنشین به ۴۴ درصد و روستا نشین به ۵۶ درصد جمعیت کل مملکت بالغ خواهد شد.

جمعیت در سن فعالیت از نظر اقتصادی که بین سن ۱۴ تا ۶۴ محاسبه میشود در آغاز برنامه چهارم ۱۳۶۶ میلیون نفر.

(۵۴ میلیون در شهرها و ۸۲ میلیون در روستاها) و در آخر برنامه ۱۵۴ میلیون نفر (۶۷ ، ۸۷ ، ، آماده کار میباشند .

بدیهی است تا مرحله کامل ریشه کن شدن بیسوادی و توسعه فعالیتهای اقتصادی که موجب توسعه خدمات در خارج خانه میشود و تا تخفیف تعصبهای امری بطوریکه بانوان بتوانند دوش بدوش مردان در خدمات یا کارهای تولیدی مشغول شوند (که قطعاً در دوره برنامه چهارم به مرحله کمال نخواهد رسید) تعداد زیادی از نیروی فعاله بانوان کماکان در خدمات خانه‌داری توأم با بیکاری نهان باقی خواهد ماند و اگر برای هر خانوار ۵ نفری يك نفر خانه‌دار بحساب بیاوریم (که مآلاً از بازار کار خارج خواهد شد)

بنابراین در آغاز و پایان برنامه بترتیب بین ۵۳ تا ۶۱ میلیون نفر بکارخانه داری خواهند پرداخت با این حساب تعداد اشتغال مملکت بترتیب زیر :

۵۳-۱۳۶ = ۸۳ میلیون نفر در آغاز برنامه چهارم

۶-۱۵۴ = ۹۴ ، ، پایان برنامه ،

خواهد بود که حتی بارشده سالیانه ۸ درصد در سال تعداد مشاغل ایجاد شده ۸۲ میلیون نفر پیش‌بینی میشود هنوز ۱۲ میلیون نفر بیکاری کامل وجود دارد و این عده در حقیقت سربار والدین و بستگان خود میشوند .

با توضیحات فوق معلوم میشود در برنامه چهارم و برنامه‌های بعدی از لحاظ کمیت و قدر مطلق نیروی انسانی فعال از لحاظ اقتصادی مضیق و تنگنای وجود نخواهد داشت و حتی تدابیری باید اندیشید که میزان رشد جمعیت از ۲۶ در هزار به ۱۰ در هزار تقلیل یا بدنامصائب اقتصادی واجتماعی بوجود نیاید .

علیرغم تعداد نیروی انسانی فعال بلحاظ اقتصادی از لحاظ کیفیت نیروی انسانی مورد نیاز و تعداد و انواع تخصص‌ها و مهارت‌های شوریدگی نگران‌کننده‌ای بوضوح چشم‌میخورد زیرا سازمان‌های آموزشی عنایت لازم به ترتیب افراد متخصص و ماهر را نداشته‌اند و برنامه‌های تدارک مهارت‌های انسان‌ها متناسب و هم‌آهنگ با توسعه فیزیکی که در شرف تکوین است پیشرفت نداشته و حیثیت و پرستیژی که قاعدتاً برای افراد ماهر باید قائل شده‌نوز در مملکت ما مورد توجه کامل قرار نگرفته است .

نویسنده معتقد است در سالهای آینده زیان عدم سرمایه‌گزاری در تدارک افراد ماهر و فقد برنامه برای این کارگران بدترین و تلخ‌ترین تجربه‌ای خواهد بود که اقتصاد مملکت با آن مواجه خواهد شد تنگنای که از طریق توسعه اقتصادی مملکت از لحاظ افراد ماهر بوجود خواهد آمد بزرگترین عامل رکود در اجرای برنامه‌ها خواهد بود مگر آنکه عاجلاً يك سلسله تدابیر توأم با عمل بموقع اجراء گذارده شود.

نکات

خوشبختانه بعد از يك دوران هرج و مرج و سرگردانی و بلا تکلیفی ایام جنگ دوم

وبعد از آن توفیق عظیمی بلحاظ سیاسی نصیب ملت ایران شده و باتفاق آراء در چهارچوب هدف های انقلاب شاه و مردم و تدابیر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که پیشوای دوران دیش و واقع بین ایران ترسیم فرموده است یکدک و یکزبان از جان و دل میکوشد و ثبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران از درخشا تترین و با جلوه ترین عوامل تضمین کننده و توفیق بر نامه های توسعه اقتصادی ایران بحساب می آید که فقط بهمت و پایمردی شاهنشاه آریامهر فراهم آمده است و پر خدمتگزاران ملت و آرزومندان اعتلاء ایران است که این موقعیت را بسی گران قدر و ارجمند دارند و برای حفظ آن هر فداکاری را بهر قیمت استقبال کنند.

موقعیت جغرافیائی

موقعیت جغرافیائی ایران که در سرحد اروپا و آسیا قرار گرفته فوق العاده ممتاز است زیرا از یک طرف دروازه های جنوب بسوی دریاهای آب گرم منتهی باقیانوس هند باز میشود و از طرف دیگر در شمال از طریق دریای خزر و راه های آبی با کشورهای اروپای شرقی ارتباط اقتصادی سهل الحصولی دارد و باین ترتیب میتواند منابع انرژی وسیع و سایر منابع خود را در اختیار تمدن شرق و غرب قرار دهد - بلحاظ نظامی رشته ارتفاعات تقریباً شرقی و غربی البرز و کوه های شمال غربی، جنوب شرقی زاگروس توأم با وسعت فلات مرکزی وضع جالب و مناسبی را برای ایران بوجود آورده است. بلحاظ موقعیت سیاسی ایران یکی از فصل مشترکها و نواحی است که در سرحد دو سیستم اجتماعی و اقتصادی حادثه شرق و لیبیرال غرب قرار گرفته و میتواند یک محیط صلح و صداقت روابط بین المللی را بوجود آورد و از این فرصت ممتازانه تنها در تسهیل پیشرفت بر نامه های عمرانی خود استفاده های شایانی برد بلکه رقابت های عقیدتی شرق و غرب را با سنتها و فلسفه عمیق مشرق زمین در آمیزد و از آن انگبین مطلوبی تدارک و تقدیم بشریت نماید. کما اینکه هم اکنون توفیق زیادی در این راه نصیب ایران شده است.

نتیجه.

از توضیحات و مطالبی که در بالا ذکر شد تنگناهای برنامه توسعه اقتصادی ایران در شرائط فعلی بترتیب اهمیت بشرح زیر خلاصه میشود:

- ۱- روحیه محافظه کارانه ای که در تکنیک کشاورزی ما وجود دارد و جان نشین کردن یک روحیه خلاقه و پیش طلب بجای قناعت و درویشی.
- ۲- فقد مهارت ها و تکنیک و کمبود کارگر و افزارمند و کشاورز متخصص بلحاظ کیفیت.
- ۳- کمبود آب شیرین مهار شده بطوریکه سرحد آن ۱۷۰ میلیارد متر مکعب آب در سال میتواند باشد.
- ۴- محدودیت از لحاظ خاک بطوریکه سرحد آن در درجات مختلف قابل کشاورزی - اقتصادی در حدود ۴۰ میلیون هکتار پیش بینی میشود و اگر با کشف روش های تهیه آب شیرین از آب شور تنگنای درجه اول فضای اقتصادی ایران که آب است مرتفع شود دومین تنگنا خاک خواهد بود.

II هدف برنامه توسعه کشاورزی

برای توسعه کشاورزی ممکن است هدفهای مختلفی بنا بر نیازمندیهای مملکت تعیین نمود گروهی معتقدند برنامه کشاورزی باید بمنظور تأمین احتیاجات خوراک افراد مملکت تدوین شود و هدف این باشد که مثلاً هر کس بتواند ۲۵۰۰ کالری مواد غذایی بدست بیاورد.

دسته‌ای متقابلاً با توجه بصحاری خشک و بیابانهای ثروتمند حاشیه خلیج از یکطرف و جمعیت روزافزون اتحاد جماهیر شوروی و آب و هوای سرد قسمت اعظم مساحت این کشور که تولید سبزیجات و میوه‌های متنوع اقلیم‌های آفتاب‌بخیز را در آنجا متعسر می‌سازد و توسعه سریع اقتصادی و بالا رفتن سطح درآمد افراد آن از طرف دیگر معتقدند که علاوه بر تدارکات مواد غذایی مورد نیاز داخل کشور مواد اولیه پوشاک مردم و صنایع را نیز باید فراهم نمود و تا سرحد امکان اقدام بصادر کردن مواد غذایی **Processed Food** پرداخته و تجارت خارجی آینده ایران نباید فقط محدود بصدور نفت و چند قلم مواد کشاورزی خام گردد بلکه اقتصاد ملی ما از لحاظ درآمد ارزی باید از اقلام متعددی حاصل شود تا مواجهه با بحران‌های خطرناک نشویم.

نویسنده با اعتقاد کامل بنظریه اخیر عقیده دارد هدف کشاورزی باید توسعه منابع آب و خاک بالقوه مملکت تا سرحد امکان مادی و انسانی باشد بطوریکه از یک سو فقط ۲۵ درصد جمعیت کشور در کار کشاورزی اشتغال داشته باشند و هر خانوار روستائی حداقل آب و زمین ضروری برای یک زندگی مرفه را در اختیار داشته باشد و از سوی دیگر این برنامه تا آخر قرن بیستم که تقریباً ۳۰ سال است بسرحد کمال برسد.

با توجه باینکه جمعیت ایران در آغاز قرن بیست و یکم (سی سال دیگر) باید در حدود ۵۰ میلیون نفر تثبیت شود بنا بر این تعدادی که در روستاها زندگی خواهند کرد در حدود ۱۲/۵ میلیون نفر و تعداد خانوار روستائی در حدود ۳ میلیون و با توجه باینکه میزان آب موجود مملکت حداکثر ۱۸ میلیون هکتار آبیاری خواهد نمود بنا بر این خانوار روستائی از ۶ هکتار زمین باید درآمد کافی برای یک زندگی آبرومند را تحصیل نماید و با توجه باینکه تولید ناخالص ۶ هکتار در مراحل نهائی میتواند به ۴۵۰۰۰۰ ریال در سال بالغ شود بنا بر این اگر ۵۰ درصد این مبلغ هزینه تولید باشد درآمد خالص هر خانواده در حدود ۲۲۵۰۰۰ ریال یعنی ۳۵۰۰ دلار در سال و درآمد سرانه نزدیک به ۷۵۰ دلار در سال بنرخ‌های امروز بالغ خواهد شد.

با شرح فوق هدف توسعه کشاورزی ما باید این باشد که در طول مدت ۳۰ سال آینده همه امکانات مادی و نیروی انسانی مملکت برای تعیین بهترین خاک از لحاظ کشاورزی و آماده کردن آن بمنظور کشاورزی و توسعه منابع آب تا سرحد امکان که کافی برای زراعت آبی ۱۸ میلیون هکتار است تجهیز شود - بطوریکه در اول قرن بیست و یکم مجموع ارزش تولید پرورده (**Procised**) کشاورزی ایران سالیانه از ۱۳۵۰۰ میلیارد ریال (بنرخ‌های عمده فروشی ۱۳۴۷) و وزن آن از ۱۸۰ میلیون تن کمتر نباشد.